

"حس زنگ زدگی بعد از سمپوزیوم"

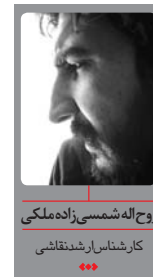
نگاهی به دوسالانه مجسمه سازی

چنین موقعیت‌هایی نصب شده‌اند. اما زمانی مصمم می‌شویم که به بستر مجسمه نیز توجه کنیم ... و می‌گوییم بستری به نام «شهر» وجود دارد. این بستر در مقیاس‌ها و مکان‌های مختلف واجد کیفیاتی است و این کیفیت‌ها اقتضائاتی دارد ... حالا با توجه به هویتی که مکان‌ها و فضاهای شهری دارد، باید این هویت را به جا بیاوریم، بعد اگر قرار است لباسی به قامت آن بدوزیم متناسب با هویت آن‌جا باشد نه این که آن‌ها با لباس دوخته ما هویت پیدا کند. یعنی باید در مسیری معکوس از آن‌چه عمل می‌کنیم، حرکت کنیم" (گفتگو با مهندس بهشتی نشریه سمپوزیوم، ص ۱۱).

خروجی آثاری که در چند سال اخیر در قالب فراخوان‌ها، دوسالانه‌ها و دو سمپوزیوم گذشته توسط سازمان داشتیم، به دلیل عدم وجود باغ مجسمه یا مکان‌های تعریف شده برای آثار آتلیه‌ای و شخصی، این آثار در کالبد فضایی شهر غالباً کیفیتی تزیینی پیدا کرده‌اند. این نقیصه شاید به این دلیل باشد که هنوز به درک درستی از مجسمه‌سازی شهری نرسیده‌ایم؛ زیرا طبق تعاریف، مجسمه شهری محصول مشترک کار مجسمه‌سازان، طراحان منظر، برنامه‌ریزان و طراحان شهری است که اهدافی چون هویت بخشی به فضای شهری و سازمان‌دهی آن، ارتقاء سواد بصری مردم و ... را نیز در نظر بگیرد. اما بعضاً در برگزاری سمپوزیوم‌ها، نمایشگاه‌ها، به ویژه نمایشگاه‌های مجسمه شهری، مجسمه به فراخوانی دعوت می‌شود که نه تنها در هویت بخشی به فضای شهری نقشی ایفا نمی‌کند بلکه، گاه با مکان‌یابی‌های نادرست و غیرکارشناسانه ناخواسته موجبات اغتشاش بصری را نیز فراهم می‌نماید و حس سرزنزنگی و نشاط در فضای شهری، که مجسمه می‌تواند آن را ایجاد کند، از بین می‌رود. این نکته را نیز باید در نظر داشت که هماهنگی مجسمه با محیط و تقویت انسجام بصری آن خود باعث احساس رضایت و آرامش بیشتری می‌شود.

با علم بر این که میادین و مکان‌های خاص در قالب پارک‌ها و فضاهای فرهنگی در مناطق مختلف شهر نیز نیاز به آثار حجمی دارد، رسیدن به فضای بصری هماهنگ در این مکان‌ها مستلزم مطالعات مشترک توسط طراحان شهری، معماران و هنرمندان است؛ و در نظر گرفتن شرایط خاص بصری و فرهنگی در هر محیط از ملزومات خلق آثار شهری می‌باشد. امری که متولیان

دومین سمپوزیوم مجسمه‌سازی تهران در حالی برگزار گردید که سه سال از برگزاری اولین دوره آن می‌گذشت، اگرچه نسبت به سمپوزیوم اول جمع‌وجورتر و در حلقه هنرمندان ایرانی و با محوریت یک ماده و تکنیک - آهن - بود، ولیکن نفس برگزاری، قطار نوپای مجسمه‌سازی ایران را دوباره به حرکت انداخت و فرصتی شد تا در قالب نقد و تحلیل به بررسی روند



روح‌اله شمس‌زاده ملکی
کارشناس ارشد نقاشی

حرکتی مجسمه‌سازی در ایران بپردازیم. سازمان زیباسازی شهرداری تهران به عنوان متولی شکل‌گیری آثار حجمی در شهر تهران، در دو سال اخیر با برگزاری دو رویداد مهم، نخستین دوسالانه (بینال) مجسمه‌های شهری در سال ۸۷ و سمپوزیوم مجسمه‌های آهنی در پاییز امسال، نشان داده است دغدغه جدی در ایجاد ارتباط بین مجسمه‌سازان، مخاطبین و به ویژه متولیان مدیریتی و اجرایی را دارد. امری که در صورت تداوم، به‌طور قطع باعث رشد فضای تجسمی شهرهای ما خواهد شد و حلقه‌های گم‌شده ارتباطی ما بین اثر هنری (مجسمه)، محیط و فضای شهری، معماری و مخاطب را آشکارتر خواهد ساخت. با نگاهی به سیر تحولات مجسمه‌سازی در ایران می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر تنوع برداشت‌ها و نوع نگاه مجسمه‌سازان ما در حال تغییر است و مجسمه از حالت شیء خودبسند و تحکمی سال‌های نخست، وارد فضای تعاملی‌تری نسبت به محیط، معماری و مخاطب گردیده است؛ چنان‌که درگیری مخاطب با فرایند ساخت و آشنایی او با روند شکل‌گیری یک مجسمه در حین برگزاری همین سمپوزیوم را می‌توان از مصادیق این رویه نام برد.

اما آن‌چه که در این مقاله مورد سوال و بررسی است سرنوشت آثار بعد از برگزاری سمپوزیوم است، چیزی که در برگزاری اولین سمپوزیوم و متعاقب آن اولین دوسالانه مجسمه‌های شهری، به جهت مکان‌یابی و ورود مجسمه‌ها به بستر شهر، سوالات فراوانی را برای ما ایجاد می‌کند. آن‌چه که مسلم است می‌توان دو رویکرد به آن داشت: "یک وقتی یک مجسمه را فارغ از این‌که در کجا قرار است نصب شود، می‌سازیم و بعد در به در دنبال جایی می‌گردیم که آن را در معرض دید قرار دهیم و بعد جایی می‌یابیم و آن را نصب می‌کنیم؛ همچنان‌که بسیاری از مجسمه‌ها در

بانگاهی به سیر تحولات مجسمه‌سازی در ایران می‌توان دریافت که در سال‌های اخیر تنوع برداشت‌ها و نوع نگاه مجسمه‌سازان ما در حال تغییر است و مجسمه از حالت شیء خودبسند و تحکمی سال‌های نخست، وارد فضای تعاملی‌تری نسبت به محیط، معماری و مخاطب گردیده است.

تبیین پارامترهایی موثر در شکل‌گیری یک رابطه موفق و منطقی مابین مجسمه، محیط، مخاطب و معماری لازم به نظر می‌رسد؛ که می‌توان طی نشست‌های پژوهشی و ایجاد فضای تعاملی مابین مجسمه‌سازان، معماران، شهرسازان و حتی جامعه‌شناسان و متخصصین عرصه‌های مختلف فرهنگ و انسان‌شناسی به بحث و تبادل نظر نشست، چیزی که به نظر می‌رسد تاکنون در شکل‌گیری فضاهای شهری ما کمتر به آن توجه شده‌است و هر کدام از گروه‌های یاد شده مستقل از یکدیگر به خلق فضاها و آثار خود پرداخته‌اند، و ماحصل آن آشفتگی بصری موجود در شهرمان است، که نیاز به ترمیم و معالجه ریشه‌ای دارد.

مجسمه‌سازی در سازمان زیباسازی و همچنین مجسمه‌سازان شهری باید توجه ویژه‌ای به آن داشته‌باشند. تکنیک اجرا به لحاظ ماندگاری، ابعاد، نمایشی/غیرنمایشی بودن آثار به تنهایی تعیین‌کننده شهری بودن یک مجسمه نیست بلکه روابط حاکم مابین اثر، محیط، مخاطب و معماری، اصالت اثر را تعیین می‌کند و مبین گستره وسیعی از اطلاعات و کیفیات می‌باشد که باید در روند شکل‌گیری یک اثر هنری در کالبد شهر، مدنظر قرار بگیرد تا بتوان در کلیتی به نام «شهر» اتمسفر مشترکی را احساس نمود. لذا برای رفع موانع، معایب و حرکت به سوی بهینه‌سازی؛ لزوم

سهند حسامیان، برگزیده نخست سمپوزیم



محمد سالاریان، سیاروش، برگزیده دوم سمپوزیم



کامبیز صبری، ثبت یک تولد، برگزیده سوم سمپوزیم



مریم خدایی پارسین، هوده، برگزیده شرکت گام الکتریک



زمانی مصمم می‌شویم که به بستر مجسمه نیز توجه کنیم ... و می‌گوییم بستری به نام «شهر» وجود دارد. این بستر در مقیاس‌ها و مکان‌های مختلف واجد کیفیاتی است و این کیفیت‌ها اقتضائاتی دارد.

منبع تصاویر: دوهفته‌نامه تندیس، آبان ۱۳۸۸